

# خشونت خانگی؛ نقض کرامت ذاتی کودک و راهکارهای مقابله با آن در اندیشه‌ی حقوقی اسلام

ندا نیکنامی\* دکتر علی اصغر آقایی\*\* سارا کاظمی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۲۰

## چکیده

اسلام به مثابه یک آیین همه‌جانبه‌نگر و جهان‌شمول، بی‌شک در همه شئون زندگی انسان، دارای آموزه‌هایی است که می‌تواند راهگشای معضلات جامعه باشد. در روایات اسلامی به کرات به حفظ کرامت انسانی کودک تاکید شده است. اندیشه‌ی محترم شمردن حقوق کودک و حفظ کرامت انسانی، به عنوان اندیشه‌ی اساسی در تربیت و حمایت همه‌جانبه در رشد فکری، سلامت روحی و روانی او به شمار می‌رود. بنابراین خانواده‌ها باید از طریق تربیت دینی که اسلام به آن تاکید فراوان کرده، شخصیت و کرامت انسانی کودک را ارج نهاده، او را برای آینده‌ای روشن پرورش دهند. اما متأسفانه شاهد آن هستیم که بسیاری از موارد نقض کرامت کودک در خانواده اتفاق می‌افتد. لذا باید برای حل این نگرانی انواع خشونت علیه کودکان در محیط خانه و خانواده را شناسایی نمود و تعالیم اسلامی برای مقابله با آنها را متذکر گردید.

واژگان کلیدی: کودک، کرامت ذاتی، خشونت جسمی، خشونت روانی

## مقدمه

کودکان از جمله افراد آسیب پذیر در اجتماع هستند که چنانچه حقوق آنان به درستی رعایت نشود خسارت‌های جبران ناپذیری بر شخصیت و کرامت انسانی آنان وارد می‌شود. اسلام به سلامت کودک بسیار اهمیت می‌دهد و بدین منظور تکالیفی را برای اطرافیان کودک مقرر کرده است. از آن جا که خانواده اولین نهادی است که کودک وارد آن می‌شود، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت کودک ایفا می‌کند. به عبارت دیگر از یک سو بهترین جایگاه برای رشد و حمایت از کودک است و باید باشد، از سوی دیگر خود می‌تواند به محل نقض حقوق کودک و حتی از بین بردن فرصت‌های طلایی در زندگی آتی او تبدیل شود. لذا ضروری است به منظور حفظ کرامت انسانی کودک که در دین مقدس اسلام بر آن تاکید فراوانی شده، از نهاد خانواده شروع نمود. در این مقاله پس از ذکر مفاهیم و مباحث مقدماتی، به چگونگی کرامت ذاتی کودک در اندیشه حقوقی اسلام پرداخته و در نهایت در طی بررسی آسیب شناسی کرامت ذاتی کودک، راهکارهای مقابله با آن به موجب تعالیم اسلامی ارائه می‌گردد.

\*کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه قم

\*\*هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

\*\*\*کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه قم.

## ۱. مفاهیم

### ۱-۱ مفهوم کرامت

کرامت ذاتی یا حیثیت ذاتی انسان عبارت است از ملاحظه انسان از آن حیث که انسان است؛ و انسان از این لحاظ عزیز، شریف و ارجمند است.<sup>۱</sup> به بیان دیگر کرامت ذاتی به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته می‌شود که تمام انسانها به جهت استقلال ذاتی، توانایی تعقل و تفکر و وجهه و نفخه الهی که دارند، به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند.<sup>۲</sup>

### ۱-۲ مفهوم کودک

کودک (صغیر) به کسی اطلاق می‌شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.<sup>۳</sup> در مورد زمان شروع کودکی در روایات، احادیث و آیات تصریح خاصی به عمل نیامده، بلکه این مطلب را باید با تأمل استنباط نمود. از آیات قرآن (حج/ ۵، مومنون/ ۱۲ تا ۱۴، غافر/ ۶۷) اینگونه برداشت می‌شود که از نظر حقوق اسلام زمان شروع کودکی همان زمان انعقاد نطفه است.<sup>۴</sup> زیرا هر فرد انسانی از لحظه انعقاد نطفه از حقوق خاص برخوردار می‌گردد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.<sup>۵</sup>

در رابطه با پایان کودکی نیز، بالغ کسی است که قوای جسمی و غریزه او نمو کامل یافته و آماده توالد و تناسل باشد.<sup>۶</sup> در فقه بلوغ از امور طبیعی و تکوینی است و برخی نشانه‌های طبیعی و فیزیولوژیک و شرعی و قانونی<sup>۷</sup> برای

---

۱. محمد، جاودان، نواندیشی دینی در اسلام و تاملاتی در کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر، مبانی نظری حقوق بشر (مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر؛ ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۲)، قم، نشر مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید، چ اول، ص ۲۸۲.

۲. اسماعیل، رحیمی نژاد، کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۷، ص ۳۵.

۳. مجید، وزیری، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر، چ اول، ۱۳۸۴، ص ۴۹.

۴. محمد، موسوی بجنوردی، بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌مندی از حقوق مربوطه، پژوهشنامه متین، ش ۲۱، (زمستان ۱۳۸۲)، ص ۳۶.

۵. محمد، موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۳۸، برای رویت نظر مخالف: ر.ک: به بابک، پورقهرمانی، نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن، مجله رواق اندیشه، ش ۲۸، (فروردین ۱۳۸۳)، ص ۷۰.

۶. مرجان، رستم زاده، گفتارهایی پیرامون حقوق تطبیقی کودک، کرمان، انتشارات خدمات فرهنگی کرمان، چ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۱.

۷. همان، ص ۲۱.

۸. فقیهان اسلام نشانه‌هایی برای بلوغ ذکر کرده‌اند که برخی از آنها طبیعی و فیزیولوژیکی (مانند احتلام و روییدن موهای خشن بر عانه) و برخی دیگر شرعی و قانونی است (سن معین). آنچه محل بحث است، نشانه‌ی شرعی و قانونی بلوغ یعنی رسیدن به سن معینی است که می‌توان آن را اماره بلوغ دانست. در واقع شارع اسلام با رسیدن کودک به سن معین و بر اساس غلبه فرض می‌کند که در آن سن قوای جسمی و طبیعی کودک به اندازه کافی تکامل یافته است و از این رو او را بالغ می‌شمارد. این نشانه از لحاظ سهولت اثبات بر نشانه‌های طبیعی برتری دارد اما در سن بلوغ بین فقیهان اختلاف نظر شدید دیده می‌شود. اکثر فقیهان امامیه، به استناد پاره‌ای از روایات، سن بلوغ را در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ سال تمام قمری می‌دانند. اما در میان متقدمان فقها و هم معاصران، نظر مخالف وجود دارد و برای نمونه برخی از معاصرین به استناد روایات معتبری که دلالت دارند، سن بلوغ در پسر و دختر ۱۳ سال تمام قمری است، به این سن فتوا داده‌اند (یوسف، صناعی، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پرسش ۲۶). و یا یکی از صاحب نظران معاصر بیان نموده است که مسئله بلوغ یک مسئله تعبدی و فقهی نیست، بلکه یک موضوع خارجی است. (محمدحسن، مرعشی شوشتری، ۱۳۷۳، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ج ۱، تهران، نشر میزان، چ اول، ص ۲۳ و همچنین ر.ک به محمدحسن، مرعشی شوشتری، تحقیقی درباره سن بلوغ، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ۴ش، (تابستان/۷۱)، صص ۵۹-۶۰).

آن ذکر شده است.<sup>۹</sup> بی‌شک اصطلاح بلوغ دارای حقیقت شرعیه نیست و از اموری می‌باشد که دارای مفهوم عرفی است و بیان شارع نیز در جهت فهم بهترین موضوع عرفی است.<sup>۱۰</sup>

### ۳-۱ مفهوم خشونت خانگی

خشونت خانگی به معنی رفتار خشونت آمیز و سلطه‌گرانه یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده است. هدف اصلی خشونت‌های خانگی در اغلب موارد کودکان هستند.<sup>۱۱</sup> خشونت در محیط خانه و خانواده اقسام متعددی را شامل می‌شود که به اعتبار نوع خشونت شامل خشونت جسمی، خشونت روانی، خشونت جنسی<sup>۱۲</sup>، خشونت ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری<sup>۱۳</sup>، خشونت مالی<sup>۱۴</sup> و... می‌شود.

### ۲. کرامت انسان در قرآن

اسلام برای انسان ارزش و اهمیت بسیاری قایل شده است، به گونه‌ای که در آیات قرآن کریم نیز این امر به وضوح به چشم می‌خورد. قرآن دو گونه کرامت ذاتی و اکتسابی را برای انسان مطرح کرده است، که در واقع آن چه دایر مدار بحث ما می‌باشد کرامت ذاتی انسان است، بدین لحاظ تنها اشاره‌ای به تعریف کرامت اکتسابی در قرآن خواهیم داشت.

#### ۱-۲ کرامت ذاتی

این کرامت اعطایی است، کرامتی است که خداوند به عنوان خالق در ذات انسان به ودیعت گذاشته است؛ موهبتی است از جانب خدا به انسان، در کنار مواهب دیگری هم چون عقل، وجدان، حسن عدالت خواهی و... که به بسیاری از موجودات دیگر نداده است.<sup>۱۵</sup> از آن جا که فعل ماضی در بیان کرامت انسان و استفاده شده، مبین آن است که از آغاز خلقت، سرشت انسان با کرامت عجین بوده است<sup>۱۶</sup> و همانگونه که قابل وضع نیست، قابل سلب از

---

<sup>۹</sup> برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک به: مرجان، رستم زاده، همان، ص ۵۵ و همچنین ر.ک به ماهر جمیل، ابوخواص، ۲۰۰۵ م، الحمايه الدوليه لحقوق الطفل، القاهرة، دار النهضة العربية، ص ۱۳ و همچنین ر.ک به هلالی عبدالله، احمد، و خالد محمد، القاضی، ۲۰۰۶ م، حقوق الاطفال فی الشریعة الاسلامیة و المواثیق الدولیة و التشريعات الوطنیة، القاهرة، دار الطلائع، ص ۲۹.  
<sup>۱۰</sup> غلامرضا، پیوندی، حقوق کودک، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، ۱۳۹۰، ص ۶۸.

<sup>۱۱</sup> Bonita, Meyersfeld, ۲۰۱۰, DOMESTIC VIOLENCE AND INTERNATIONAL LAW, Oxford: Hart Publishers, p. ۲۶۹.

<sup>۱۲</sup> جنسی علیه کودک به معنای درگیر نمودن کودک در فعالیت جنسی است که ممکن است به شکل اغوا یا وادار کردن کودک به پرداختن به هرگونه فعالیت جنسی غیرقانونی، استفاده استثمارگرانه از کودکان در فحشا یا دیگر اعمال جنسی غیرقانونی و یا استفاده استثمارگرانه از آنها در نمایش‌ها یا مطالب هرزه نگاری باشد.

<sup>۱۳</sup> این نوع خشونت یکی از شایع‌ترین انواع خشونت علیه کودکان است و به معنای عدم فراهم آوردن نیازهای جسمی و روحی کودکان از قبیل عدم حمایت عاطفی، رفتار ناعادلانه بین فرزندان، عدم برآوردن نیازهای غذایی، پوششی، مسکن، بهداشت، و مراقبت‌های پزشکی و تحصیلی توسط والدین یا کسانی که عهده دار سرپرستی کودکان می‌باشند است.

<sup>۱۴</sup> خشونت اقتصادی یا مالی علیه کودک زمانی اتفاق می‌افتد که فردی که عهده دار تامین نیازهای مالی یا نیازهای اولیه کودک است از قبول این مسئولیت امتناع کند، مسئولیت خویش را به درستی انجام ندهد و یا از این مسئولیت و توان وابسته به آن سوء استفاده نماید.

<sup>۱۵</sup> محمد، جاودان، پیشین، ص ۲۸۵.

<sup>۱۶</sup> عباسعلی، عمید زنجانی، ابعاد کرامت انسان از منظر اسلام، مجموعه مقالات به مناسبت روز حقوق بشر اسلامی، تهران، انتشارات گرایش، چ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۰۹.

انسان هم نمی‌باشد.<sup>۱۷</sup> کرامت ذاتی انسان به شرح ذیل از آیات قرآن استنباط می‌شود:

۱-۱-۲ خداوند در آیه ۷۰ سوره‌ی اسراء می‌فرماید: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی‌داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به‌ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».<sup>۱۸</sup> به موجب این‌ایه، موجه‌ترین دلیل برای تکریم انسان و متمایز بودن وی از سایر موجودات این است که از لفظ «کرمنا» به طور صریح برای انسان استفاده شده است. این کرامت به صورت فراگیر همه انسانها را از هر نژاد و طیف اعتقادی، فکری و فرهنگی شامل می‌شود.<sup>۱۹</sup>

۱-۲-۲ یکی دیگر از وجوه تکریم انسان، مجهز بودنش به قوه‌ی تعقل و تفکر است، به گونه‌ای که خداوند بلند مرتبه انسان را از سه عنصر اساسی عقل، روح و جسد ترکیب کرده و بین این عناصر انسجام و توازن برقرار کرده است.<sup>۲۰</sup> بی‌گمان همین عقل و اندیشه موجبات تسلط و چیرگی بر امکانات موجود در همه جهان (خشکی و دریا)<sup>۲۱</sup> را برای انسان فراهم کرده است.<sup>۲۲</sup> چرا که موهبت عقل بازتابی است از دمیده شدن روح خدا به انسان. آدمی در سایه برخوردار از این نفخه‌ی الهی، به ادراکی متعالی دست می‌یابد و در پرتو آن می‌تواند عوالم خارج از وجود خویش را بشناسد و به واقعیت آنها پی ببرد.<sup>۲۳</sup> بدین گونه چنان ارتباط و پیوستگی میان انسان و خدا ایجاد می‌گردد که آیه ۲۹ سوره حجر<sup>۲۴</sup> و آیه ۷ سوره سجده<sup>۲۵</sup> به خوبی آن را بیان می‌کند.

۱-۳-۳ از سوی خداوند بنا بر آیه ۱۴ سوره مؤمنون<sup>۲۶</sup> به گونه‌ای بشر را خلق نمود که بعد از آفرینش او به خود تبریک گفت. این مفهوم تبارک خود به معنی افاضه دایمی خیر و برکات بر انسان و عظمت او می‌باشد<sup>۲۷</sup> و این تبریک جز با کرامت انسان سازگار نیست.

۱-۴-۲ گذشته از این موارد، اوج کرامت ذاتی انسان را می‌توان در این بعد دید که انسان جانشین خداست. «قدرت تعلم و فطرت جوینده چون با قدرت اختیار و تصرف در پدیده‌ی آدم به هم پیوست، صاحب مقام خلافت می‌گردد. زیرا خلیفه دوم کسی است که جای نخستین بنشیند و کار وی را آن جام دهد و تکمیل نماید، اگر چنین موجود درآک و متصرفی در جهان سر بر نمی‌آورد و همه آفریدگان زیر پرده بی‌خبری و فراموشی می‌مانند، آنگاه نه عالم شکوه و جلالی داشت و نه هیچ آفریده‌ای به ثمر و نتیجه می‌رسید».<sup>۲۸</sup> این خلافت و جانشینی در آیه ۳۰ سوره

<sup>۱۷</sup>. اسماعیل، رحیمی‌نژاد، پیشین، ص ۲۸.

<sup>۱۸</sup>. «و لقد کرمنا بنی آدم و حملنا فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر من خلقنا تفضیلاً»

<sup>۱۹</sup>. محمد، الزحیلی، ۲۰۰۳ م، حقوق الانسان فی الاسلام - دراسة مقارنة مع الاعلان العالمی و الاعلان الاسلامی لحقوق الانسان، دمشق -

بیروت، دارکلم الطیب، الطبعة الثالثة، ص ۳۳.

<sup>۲۰</sup>. همان، ص ۳۴.

<sup>۲۱</sup>. اسراء / ۷۰ و ابراهیم / ۳۲ و لقمان / ۲۰

<sup>۲۲</sup>. رحیم، نوبهار، دین و کرامت انسانی، مبانی نظری حقوق بشر: (مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر، ۲۷ و ۲۸

اردیبهشت ۱۳۸۲)، قم، نشر مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید، چ اول، ص ۶۱۶.

<sup>۲۳</sup>. همان، ص ۶۲۳.

<sup>۲۴</sup>. «و نفخت فیہ من روحی».

<sup>۲۵</sup>. «و نفخ فی من روحه».

<sup>۲۶</sup>. «تبارک الله احسن الخالقین».

<sup>۲۷</sup>. عباسعلی، عمید زنجانی، پیشین، ص ۲۱۶.

<sup>۲۸</sup>. محمد، بسته نگار، حقوق بشر از دیدگاه آیت الله طالقانی، حقوق بشر در جهان امروز (مجموعه مقالات کنگره بررسی مسائل اساسی حقوق بشر در جهان امروز)، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول. ۱۳۸۸ و همچنین ر.ک به محمود، طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۱، سوره

بقره<sup>۲۹</sup> به خوبی بیان می‌گردد.

۱-۲ خداوند متعال انسان را خلیفه‌الله قرار داد و در ملاً عام بر ملائکه به سجده بر آدم امر نمود، (بقره/ ۳۴، حجر/ ۷۹، ص/ ۷۲) علماینگونه تفسیر کرده‌اند که امر پروردگار به سجود ملائکه بر آدم، به خاطر وجه تحیت و کرامت انسان است که موجب تعظیم به او شده است<sup>۳۰</sup> و این خاص آدم ابوالبشر نیست، زیرا خداوند می‌خواست نوع انسان را در زمین مستقر و خلیفه خود نماید.<sup>۳۱</sup>

## ۲-۲ کرامت اکتسابی

کرامت اکتسابی مقام معنوی بالایی می‌باشد که انسان می‌تواند با به کارانداختن استعدادهای جمله خود مراتب کمال انسانیت را طی نماید و به مدارج عالی ارتقایابد.<sup>۳۲</sup> مهم‌ترین معیار و محور این نوع کرامت همانگونه که خداوند متعال درایه ۱۳ سوره حجرات<sup>۳۳</sup> فرموده، تقوا و ایمان است، یعنی انسان با تقوا، از حرمت و کرامت مضاعف برخوردار است، زیرا علاوه بر کرامت ذاتی که با همه افراد بشر مشترک است از کرامت اکتسابی نیز بهره‌مند می‌باشد.<sup>۳۴</sup>

## ۳. کرامت ذاتی انسان در سنت

در پاره‌ای از روایات از پیامبر(ص) و ائمه اطهار، نسبت به برخوردارای انسان از کرامت و ارزشی خاص تأکید شده است، که به روشنی دلالت بر ابعاد کرامت ذاتی انسان می‌نماید. در این جا به تعدادی از اینها اشاره می‌نمایم.

۳-۱ روایاتی که دلالت بر اراده، عقل و قوه‌ی ناطقه انسان میکند و موجبات کرامت ذاتی انسان را فراهم می‌آورد. پیامبر اسلام (ص) در مورد کرامت عام و مطلق انسان می‌فرماید: «هیچ پدیده و مخلوقی در پیشگاه پروردگار از انسان، اولاد آدم گرامی‌تر نیست، سؤال شد حتی فرشتگان؟ فرمود: آری حتی فرشتگان. زیرا فرشتگان موجودی بی‌اختیارند مانند ماه و خورشید ولی انسان موجودی بااراده و دارای اختیار است.»<sup>۳۵</sup> این روایت بیانگر آن است که اراده آزاد و اختیار انسان، علت کرامت انسان می‌باشد و نکته جالب این که این روایت اشاره کلی به برتری نوع بشر و تمام انسانها از ملائکه دارد، بدون اختصاص به شخص یا گروه خاصی. امام علی (ع) در مورد ارزش و فضیلت جوهره‌ی عقل انسانی که انسان را یک موجود ممتاز و ارزشمند و دارای حقوق و کرامت ساخته است می‌فرماید: «انسان از دو ملاک ارزش و فضیلت برخوردار است که او را والا و ارزشمند ساخته است. یکی عقل و

بقره، ص ۱۱۸.

<sup>۲۹</sup> «اذ قال للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه».

<sup>۳۰</sup> محمد، الزحیلی، پیشین، ص ۲۸.

<sup>۳۱</sup> محمد و دیگران، آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

تهران، چ اول، ۱۳۸۳، ص ۸۴

<sup>۳۲</sup> محمد، هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج اول، تهران، نشر میزان، چ ششم، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱.

<sup>۳۳</sup> «إن اکرمکم عندالله اتقاکم»

<sup>۳۴</sup> هاشم، هاشم زاده هریسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر از منظر اسلام، حقوق بشر در جهان معاصر، دغدغه‌ها و دیدگاههای حقوقدانان و فقهای ایرانی، قم، انتشارات آیین احمد، چاپ اول، ۱۳۸۸ ص ۷۶.

<sup>۳۵</sup> «ما من شیء اکرم علی الله من بنی آدم قبل یا رسول الله و لا الملائکه قال و لا الملائکه، الملائکه مجبورون بمنزله الشمس و القمر».

<sup>۳۶</sup> هاشم، هاشم زاده هریسی، پیشین، ص ۷۰.

دیگری منطقی یعنی قدرت فهم و قدرت بیان.<sup>۳۷</sup> و بار دیگر می‌فرماید: «عقل مایه فضیلت، احترام و ارزش انسان است.»<sup>۳۸</sup> این احادیث نیز بر بهره‌مندی جمیع افراد بشر از قوه‌ی تعقل و تفکر دلالت می‌نماید که این نشان از، یکسان بودن ماهیت و ویژگی عمومی انسانهاست.<sup>۳۹</sup> از اینرو همین قوه‌ی تعقل در تمام ابنا بشر موجبات تکریم نوع انسان را فراهم می‌سازد.

۲-۳ برخی از روایات دلالت بر برابری و برادری انسانها و در نتیجه کرامت ذاتی انسانمی‌نماید. در واقع انسانها به رغم تمایزات ظاهری و حتی فکری و فرهنگی از کرامت اولیه برخوردارند و بنا بر تعبیر امام علی (ع) جملگی برادرند حتی اگر در عقیده و دین بایکدیگر متمایز باشند.<sup>۴۱</sup> <sup>۴۲</sup>

بنابراین انسانها در آفرینش همطراز یکدیگرند و در برخورداری از کرامت برادرند.<sup>۴۳</sup> برابری چون هر انسانی از آن جهت که انسان است واجد ارزش ذاتی است و نباید وسیله‌ای برای نیل به اهداف دیگر افراد قرار گیرد<sup>۴۴</sup> و از سوی دیگر به عنوان حقیقت الهی و واقعیتی تکوینی برادر خوانده شده‌اند و روشن است که در یک خانواده، برادران بریکدیگرند مزیتی ندارند و با هم برابری دارند.<sup>۴۵</sup> در جای دیگر امام علی (ع) با این گفتار به استنادارش توصیه می‌نماید که مسلمانان و غیر مسلمانان را هم‌نوع بدانند و به یک دیده بدانها بنگرد؛ و این تکریم انسان است به بهترین شکل و نمایانگر آن است که کرامت ذاتی انسان امری برون دینی است و انسان پیش از آن که متدین به دین خاص باشد، چنان حیثیتی را داراست.<sup>۴۶</sup>

در همین رابطه جابر بن عبدالله نقل می‌کند: «جنازه یک یهودی را از کنار ما عبور می‌دادند، ما جلوس کردیم اما پیامبر (ص) بر احترام جنازه قیام کردند. به پیامبر (ص) عرض کردیم آن جنازه از یک یهودی بود. حضرت فرمودند: هنگامی که جنازه‌ای را مشاهده کردید قیام نمایید.»<sup>۴۷</sup> تمام اینها نشان از آن دارد که پیشوایان دین انسان بما هو انسان را شایسته احترام و تکریم میدانستند و هیچ توجهی از نظر حقوقی برای صرف عقیده قایل نشده‌اند.

۳-۳ روایاتی که بیانگر کرامت ذاتی انسان است از آنرو که او دارای وجهه الهی است. در این رابطه‌ی پیامبر اکرم می‌فرماید: «خداوند انسان را به صورت خویش آفریده است.»<sup>۴۸</sup> بنابراین ذات انسان به عنوان اینینه اسمای الهی به لحاظ طبیعت روحانی و جوهر معنوی خود با کائنات و هستی پیوستگی دارد. او عالی‌ترین صورت برای هویت حق و شایسته‌ی تکریم عظیمی است.<sup>۴۹</sup>

<sup>۳۷</sup>. «للا انسان فضیلتان: عقل و منطق».

<sup>۳۸</sup>. «العقل فضیله الانسان».

<sup>۳۹</sup>. همان، ص ۶۹.

<sup>۴۰</sup>. محمد و دیگران، آشوری، پیشین، ص ۸۸.

<sup>۴۱</sup>. «فانهم صنفان اذا اخ فی الدین او نظیر لک فی الخلق».

<sup>۴۲</sup>. محمد، جاودان، پیشین، ص ۲۸۹ و همچنین ک به نهج البلاغه، خطبه ۲۵

<sup>۴۳</sup>. عباسعلی، عمید زنجانی، پیشین، ص ۲۱۳.

<sup>۴۴</sup>. محمد، راسخ، نظریه حق، حقوق بشر در جهان معاصر - دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوقدانان و فقهای ایرانی، قم، انتشارات آیین احمد، چ اول، ۱۳۸۸، ص ۳۸۶.

<sup>۴۵</sup>. محمد، جاودان، پیشین، ۲۸۹.

<sup>۴۶</sup>. همان، ۲۸۳.

<sup>۴۷</sup>. حسینعلی، منتظری، رساله حقوق، تهران، انتشارات سرایی، چ دوم، ۱۳۸۳، ص ۳۳.

<sup>۴۸</sup>. «خلق الله آدم علی صورته».

<sup>۴۹</sup>. اسماعیل، رحیمی نژاد، پیشین، ص ۳۹ و همچنین محمد (محمی الدین ابن عربی)، بی‌تا، فصوص الحکم، بیروت، دار الکتب العربی،

۴-۳ علاوه بر اینها می‌توان به روایاتی که سفارش بر حسن خلق با مردم، محبت و مدارا با مردم دنیا اعم از مسلمان و غیر مسلمان می‌نماید، جهت اثبات کرامت ذاتی انسان تمسک نمود. در روایتی آمده، خداوند به حضرت موسی (ع) خطاب کرد و گفت: سر خود را در دل مخفی نما و در ظاهر حتی با دشمن من و دشمن خود مدارا کن...» این روایت به طریق اولی دلالت بر قبح هتک حرمت مردم و حتی دشمنان حق می‌کند و قهراً کرامت ذاتی هر انسانی از آنها به دست می‌آید.<sup>۵۰</sup>

#### ۴. کرامت ذاتی کودک در اندیشه حقوقی اسلام

کرامت به عنوان یک ارزش ذاتی انسان دارای گستره‌ای به وسعت زندگی انسان است. از یک سو از نخستین روزهای تکوین و شروع رشد، به سمت انسان کامل شدن با آدمی همزاد و همراه می‌گردد<sup>۵۱</sup> و از سوی دیگر موجبات رویش بسیاری از قواعد و ارزش‌های حقوق بشر را فراهم می‌آورد. بدین لحاظ کرامت انسان را نباید به عنوان یک حق بشری در ردیف حقوق دیگر بشر به شمار آورد. زیرا دلیل و مشروعیت بسیاری از موارد حقوق بشر همان کرامت انسان است. کرامت انسان در حقیقت یک قاعده حقوقی نیست بلکه یک اصل حقوق بشری است که سایر قواعد حقوق بشر و آزادیهای عمومی از آن رویش پیدا می‌کند. وقتی کرامت انسان به نص قرآن کریم یک امر ذاتی انسان تلقی می‌شود طبق قاعده "التزام شی التزام به لوازم آن" نیز می‌باشد و باید آن را در همه‌ی مراحل زندگی انسان از آغاز تا فرجام و هم چنین قواعدی را که لازمه‌ی کرامت انسان است، پذیرفت.<sup>۵۲</sup> افزون بر این از آن جا کرامت ذاتی انسان به اصول انسانیت پایبند است، مستلزم شناسایی و رعایت یک سری از حقوق فطری و اجتماعی برای او می‌گردد<sup>۵۳</sup> در واقع می‌توان گفت رابطه مستقیمی میان صاحب حق و کرامت بودن انسان وجود دارد. انسان زمانی به معنای واقعی صاحب حق و کرامت است که امکان برخورداری از آن حق برایش تضمین شده باشد. بنابراین می‌توان ادعا کرد تضمین حق عین تکریم کرامت انسان است.<sup>۵۴</sup>

به بیان دیگر تضمین این حق‌ها برای پاسداری از ارزش و موقعیت خاص است که انسان از آن جهت که انسان است، از آن برخوردار می‌باشد. از سوی دیگر هیچ کس نمی‌تواند این حقوق را پایمال کند، زیرا وقتی انسان در پیشگاه خداوند چنین موجودی است که فرشتگان بر مقام او کرنش می‌کنند و تعلیم اسماء می‌یابند<sup>۵۵</sup> و به عنوان جانشین خداوند در زمین تعیین شده، به عنوان جانشینی از ویژگی خلیفه اول بهره می‌جوید و خودآگاه، آزاد و دارای اراده و اختیار می‌گردند. بالطبع با چنین زیربنایی در اندیشه و تفکر، آدمیان حقوق برابر و یکسانی دارند<sup>۵۶</sup> و برای احدی از فرزند انسان متصور نیست که متمایز از بقیه متولد شده باشد نه در کرامت و نه در ارزش انسانی مشترک و

ص ۱۵۲ - ۱۵۰.

<sup>۵۰</sup> همان، ص ۳۶.

<sup>۵۱</sup> عباسعلی، عمید زنجانی، مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر، تهران، انتشارات مجد، چ اول، ۱۳۸۸، صص ۱۷۶ - ۱۷۵.

<sup>۵۲</sup> عباسعلی، عمید زنجانی، ابعاد کرامت انسان از منظر اسلام، پیشین، ص ۲۱۱.

<sup>۵۳</sup> حسینعلی، منتظری، پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون مجازات اسلامی و حقوق بشر، قم، انتشارات ارغوان دانش، چ اول، ۱۳۸۷ ص ۷۷.

<sup>۵۴</sup> آرش، نراقی، اخلاق حقوق بشر، تهران، نشر نگاه معاصر، چ اول، ۱۳۸۸ ص ۲۴.

<sup>۵۵</sup> محمدعلی، ایازی، مبانی حقوق بشر اسلامی، حقوق بشر در جهان امروز (مجموعه مقالات کنگره بررسی مسائل اساسی حقوق بشر در

جهان امروز)، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول، ۱۳۸۸ ص ۵۲.

<sup>۵۶</sup> محترم، رحمانی، حقوق بشر در اندیشه طالقانی، حقوق بشر در جهان امروز، (مجموعه مقالات کنگره بررسی مسائل اساسی حقوق

بشر در جهان امروز)، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول، ۱۳۸۸ ص ۱۴۷.

نه از آن چه از حقوق به آن تعلق می‌گیرد،<sup>۵۷</sup> بنابراین کسی نمی‌تواند حق دیگری را تضييع نماید و یا با فعل و ترک فعل خود موجب کوچک شمردن و یا تعرض به حرمت و کرامت دیگری گردد.

همانطور که بیان گردید کرامت ذاتی یک موهبت خدادادی است که از آغاز خلقت با سرشت انسانها عجین شده است پس کودک هم به مثابه یک انسان و آفریده خدا دارای کرامت ذاتی است و حتی به دلیل شرایط جسمی و روحی آسیب پذیرش شاید نیازمند احترام و تکریم بیشتری باشد. بدیهی است که این کرامت نمی‌تواند بدون حقوق ذاتی برای کودک تصور شود، زیرا کرامت نوعی ارزش دادن و ترجیح انسان از جهت انسانیت است و این معنا مستلزم آن است که کودک دارای حقوق متعدد فطری، طبیعی و اجتماعی و... باشد<sup>۵۸</sup> دین مبین اسلام بیش از مکتب‌های دیگر، برای کودکان - این قشر آسیب پذیر - حقوق قایل شده است. زیرا با رعایت این حقوق، آینده‌ی کشور با وجود انسانهای شایسته، تضمین خواهد شد.

و در روایات متعددی بر لزوم کرامت ذاتی کودک و لزوم احترام به آن تأکید شده است. برای نمونه؛ پیامبر (ص) فرموده‌اند: «فرزندان خود را تکریم کنید و به آنها آداب نیک بیاموزید تا آمرزیده شوید.»<sup>۵۹</sup> امام رضا (ع) نیز فرموده‌اند: «لازم است با تمام اطفال و بزرگسالان با ادب و احترام رفتار نمایی.»<sup>۶۰</sup> بنابراین کودک، موجودی شایسته تکریم است. این کرامت همانطور که بیان گردید مستلزم حقوق متعدد و گوناگون برای کودک می‌باشد، حقوقی که در اسلام پر دامنه و بسیار غنی است. از اهم این حقوق، حقوق کودک بر والدین است. چرا که خانواده اولین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی پیدا می‌کند. لذا بر والدین است که کودک را مورد احترام قرار دهند و در تربیت کودک به عنوان ضروری‌ترین نیاز جامعه بشری، ابزارهای صحیحی بکار برند تا حقوق اساسی احترام به کرامت انسانی و جسمانی کودک را فراهم آورند. بنابراین مطلوب چنین حقوقی، تکلیفی است به والدین که در برخورد خود با کودک، کرامت ذاتی او را در نظر داشته باشند و شرایط او را مبنای رفتار خویش قرار دهند.<sup>۶۱</sup>

اما متأسفانه به کرات دیده می‌شود که والدین در طی فرآیند رشد و تربیت کودک از این وظیفه و تکلیف خویش غافل می‌شوند و با اعمال خشونت علیه کودک به حریم خصوصی کودک و جسم و روانش که بنا بر اصل کرامت منطقه‌ی ممنوعه تعرض است،<sup>۶۲</sup> متعرض می‌شوند و موجبات نقض حیثیت و کرامت ذاتی کودک را فراهم می‌آورند.

## ۵. آسیب شناسی کرامت ذاتی کودک

کودکی زیربنای بزرگسالی است، انسانی در ابعاد کوچک ولی با همان روح، حساسیت، شعور و آگاهی بسیاری کودکان را دست کم می‌گیرند. اسلام بر خلاف دید رایج مردم زمان خویش از آن جا که بر کرامت انسان پا می‌فشرد

<sup>۵۷</sup> عبداللطیف بن سعید، الغامدی، ۲۰۰۰ م، حقوق الانسان فی الاسلام، الرياض، آکادیمیة نایف العربیة للعلوم الانسیة، الطبعة الاولى، ص ۴۷.

<sup>۵۸</sup> اسماعیل، رحیمی‌نژاد، پیشین، ص ۴۹.

<sup>۵۹</sup> «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم یغفرلکم».

<sup>۳</sup> حسن بن فضل، طبرسی، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، چ چهارم، ۱۳۷۰، ص ۲۲۲.

<sup>۶۱</sup> «واجمل معاشرتک مع الصغیر و الکبیر».

<sup>۵</sup> علی نقی، فقیهی، هدفهای تربیتی در ارتباط با والدین و فرزندان، مجله پیوند، ش ۲۰۷، (دی ۱۳۷۵)، ص ۴۶.

<sup>۶۳</sup> حسن، ملکی (قاسم)، آشنایی با حقوق کودکان، تهران، انتشارات آبیژ، چ اول، ۱۳۸۸ ص ۱۹۱.

<sup>۶۴</sup> محمد، نصر اصفهانی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اندیشه علوی، اصفهان، انتشارات فرهنگ مردم، چ اول، ۱۳۸۲، ص ۳۰.



و او را به جایگاه خلیفه الهی بر می‌کشد، کرامت کودک را هم پاس می‌دارد و ارج می‌نهد، دل بر کودکان می‌سوزاند و عزیز می‌شمارد، با چشمانی نگران به پرورش آنان می‌نگرد تا کرامت انسانی در نطفه خفه نشده، به حقارت نیلاید. اسلام با تاکید بر آزادی، تعقل و تفکر که پرورش عقلی و شخصیتی کودک را تامین می‌کند، از پرورش روحی کودک نه تنها غافل نمانده، بلکه بر آن تاکید فراوان نموده است. استفاده از محبت از موثرترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیتی است. پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند: «به کودکان و نوباوگان محبت نمایید و رحمت خود را شامل حال آنها گردانید.»<sup>۶۵</sup> حضرت علی(ع) می‌فرماید: «هر که فرزند خود را ببوسد برای او پاداش و حسنه خواهد بود و هر که فرزند خود را شاد کند، خداوند در روز قیامت او را شاد خواهد کرد.»<sup>۶۶</sup> برخورداری از مهر و محبت یکی از نیازهای اصلی انسان است. در این میان کودکان بیش از همه به عطف و مهربانی نیاز دارند. تا از این رهگذر مهرورزی را بیاموزند و بیاموزانند. شک نیست که شفقت و ترحم بر کودکان یکی از حقوق مسلم شان می‌باشد که اسلام به آن تاکید میکند. در خانواده‌هایی که فضای محبت، شفقت و مهربانی حکم فرماست، کودکان صحتمند، ذکی، هوشیار و سالم تربیت می‌شوند. بر عکس در خانواده‌هایی که خشونت، قساوت و بدبختی حاکم است، کودکان آن غیر سالم از نظر صحت روانی و عصبی می‌باشند. اندیشمندان جدید، حمایت از کرامت و منزلت انسانی را عبارت از پاسخ‌گویی به خواسته‌های ارزشی هشتگانه انسانی تحت عناوین احترام، قدرت، روشنگری، خوشبختی، سلامتی، مهارت، محبت و راستی دانسته‌اند.<sup>۶۷</sup> بنابراین خشونت و بدرفتاری و بی‌احترامی نسبت به کودکان، جنایتی است از سوی بزرگترها، که بشریت را بیمار و ناتوان می‌کند.<sup>۶۸</sup>

تعاریف گوناگونی از خشونت ارایه شده است اما اکثرین تعریف‌ها تنها جنبه‌های خاصی از خشونت مانند آزار و اذیت‌های جسمی و روانی را شامل می‌شوند. اگر بخواهیم تعریف جامعی از خشونت ارایه دهیم که تمامی جنبه‌ها و وجوه خشونت را در بر گیرد می‌توانیم بگوییم که: خشونت عبارت است از هر گونه فعل یا ترک فعل که کرامت انسانی و یا تمامیت جسمانی و روانی فرد را خدشه دار می‌سازد. خشونت علیه کودکان بازتاب عدم تعادل قدرت بین قربانی شونده و قربانی کننده است و در بسیاری اوقات مشخصه اش خیانت در اعتمادی است که وجود داشته است.<sup>۶۹</sup> این اعتماد در درون خانواده و نسبت به اعضای فامیل بیشتر وجود دارد و آسیبی که کرامت انسانی کودک در مواجهه با خشونت ارتكابی توسط اعضای خانواده که پشتیبان اصلی و اولیه کودک هستند می‌بیند به مراتب بیشتر از انواع دیگر خشونت‌هایی است که در محیط جامعه اتفاق می‌افتد. خشونت و تجاوز علیه کودکان ممکن است تنها یکبار اتفاق افتد یا شامل روش‌های متعدد باشد، در هر صورت و به هر شکلی که باشد بر امنیت و سلامت جسمی و روحی کودک تاثیر می‌گذارد و عامل اصلی آسیب به کرامت انسانی و تمامیت جسمانی کودک می‌باشد از میان انواع خشونت که بدان پیش از این اشاره شد، آن چه بحث نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد، خشونت جسمانی و روانی علیه کودک می‌باشد.

<sup>۶۵</sup> محمد، داوودی، گفتار فلسفی - کودک از نظر وراثت و تربیت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ هفتم، ۱۳۸۸صص ۲۲۶ و ۷.

<sup>۶۶</sup> حسین، اسحاقی، سلوک علوی (راهبردهای امام علی در تربیت فرزندان)، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱صص ۷۶.

<sup>۶۷</sup> محمد، قاری سید فاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، ج ۲، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷ صص ۲۶۵.

<sup>۶۸</sup> فروزش، کیان، نخستین کتاب حقوق من-بیمان بین المللی حقوق کودک، تهران، نشر ایران بان، چ اول، ۱۳۸۴ صص ۶۸.

<sup>۶۹</sup> Violence prevention initiative, ۲۰۰۹, Violence Against Children fact sheet, Newfoundland and Labrador, Prepared by the violence Prevention Initiative, p.۲.

## ۱-۵ خشونت جسمی

خشونت جسمی علیه کودک زمانی اتفاق می‌افتد که کسی عمداً از بخشی از بدن خود ویایک شی برای آسیب به کودک یا کنترل اعمال او استفاده می‌کند.<sup>۷۰</sup> این خشونت موارد متعددی از قبیل ضرب و شتم، خفگی، سوزاندن، حمله با اسلحه، حبس و قتل و... را در بر می‌گیرد. اما در مورد این که آیا تنبیه‌های بدنی جزئی از مصادیق خشونت جسمی و در نتیجه ناقض کرامت کودک می‌شود یا خیر اختلاف نظر وجود دارد. و همین امر باعث گردیده است که در مورد آزار جسمی تعریف واحدی وجود نداشته باشد و تعریف‌های کودک آزاری جسمی تحت تأثیر قوانین و مقررات و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه خصوصاً در زمینه تربیت اطفال و تنبیه و مجازات آنان قرار گیرد. در هر حال تحقیقات نشان داده‌اند، تنبیه‌های بدنی بی ضرر نیز که به بچه آسیب بدنی چندانی وارد نمی‌کند، به تدریج هم تبدیل به رفتارهای خشونت آمیز شدید می‌شود و هم خشن ترمی شود.<sup>۷۱</sup> مضافاً آن که مطابق مفهوم کرامت ذاتی با هیچ کس نباید به عنوان ابزاری صرف در جهت اهداف دیگر بدون توجه به کرامت شخصی او، رفتار نمود. تنبیه بدنی از آن جهت کرامت انسان را نقض می‌کند که کودک را چون ابزاری محض در جهت اهداف تنبیه کننده قرار می‌دهد و به ویژه آن که چنین تنبیهاتی اغلب به عنوان ابزاری برای نایل شدن به اهداف خودخواهانه بزرگسالان و فایده آمدن بر مشاجره در کوتاهترین زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد، بدون آن که چنین تنبیهاتی هیچ اثر دائمی خوب نسبت به آنها داشته باشد.<sup>۷۲</sup> بنابراین می‌توان بیان نمود که تنبیه بدنی کودک عامل مهمی در گسترش اقدامات و نگرش‌های خشونت آمیز بوده و به عنوان یک عامل خطرناک می‌تواند موجب آسیب‌های جسمی و روانی و حتی موجب مرگ کودکان شود و موجبات نقض حقوق اساسی کودک از قبیل کرامت و حیثیت ذاتی را فراهم آورد.

از سوی دیگر از قوانین هم‌این انتظار می‌رود که نقش کلیدی و مهمی را در حمایت از کودکان بازی کنند، در حالی که متأسفانه نتوانسته‌اند از عهده‌این وظیفه به خوبی برآیند و گاه راه را برای تعرض به اطفال باز گذاشته‌اند. برای نمونه در قوانین کشور ما، ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی می‌تواند به نوعی توجیه کننده تنبیه بدنی کودکان توسط والدین شناخته شود. طبق ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی حق تادیب اطفال تنها به والدین محدود شده ولی بنا بر بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی علاوه بر والدین، اولیای قانونی و سرپرستان اطفال نیز حق تادیب اطفال را دارند. هر چند این ماده دو معیار درونی قصد تادیب و معیار بیرونی در حد متعارف بودن را برای تشخیص متعارف بودن تادیب اطفال قرار داده ولی موجب سوء استفاده بسیاری از والدین و سرپرستان و بزه دیدگی اطفال به بهانه تادیب شده است. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان امید جامعه حقوقی در جهت مقابله با کودک آزاری به ویژه از طرف والدین که از معافیت ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی استفاده می‌کردند افزایش یافت. اما با اصطلاحات مکرر مجلس جهت تامین نظر شورای نگهبان از شمول جرم کودک آزاری خارج شدند. ماده ۷ این قانون مقرر می‌دارد: «اقدامات تربیتی در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب

<sup>۷۰</sup>. Ibid.

<sup>۷۱</sup>. گلناز، فیروزی، خشونت خانوادگی و رفتارهای خشونت آمیز علیه کودکان/خشونت خانگی، مجله پگاه حوزه، ش ۲۶۶، (آبان ۱۳۸۸)، ص ۳۱.

<sup>۷۲</sup>. Susan H., Bitensky, ۲۰۰۶, Corporal punishment of children: A human rights violation, first ed, United States of America, Transnational publishers., pp ۷۷-۷۸.

۱۳۷۰/۹/۷ و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ از شمول این قانون مستثنا است.» بنابراین آن چه هدف اصلی طراحان این قانون بود، با ورود این ماده به کلی از بین رفت.

قانونگذار در قانون جدید مجازات اسلامی نیز در بند ت ماده ۱۵۸،<sup>۷۳</sup> همان موارد مندرج در بند ۱ ماده ۵۹ را ذکر نموده، هرچند بر آن قید حدود شرعی را نیز اضافه کرده است. بنابراین با توجه به مطالب فوق، این ماده از قانون جدید هم در عبارات «اقدامات» و «متعارف بودن» مجمل است و در خصوص صلاحیت والدین در تنبیه فرزندان و تحدید رفتارهای ایشان از وضوح کامل برخوردار نمی‌باشد. تنها باید بیان نمود که با توجه به تصریح ماده ۱۵۸ به حدود شرعی، ناگزیر به مراجعه به متون فقهی هستیم تا با تجویز قانون مجازات، از فقه جهت رفع ابهام استفاده نماییم.<sup>۷۴</sup>

از دیدگاه اسلام نیز هر گونه آزار جسمی کودک حرام است. از این رو، علاوه بر حرمت تکلیفی، حکم وضعی آن نیز که عبارت است از مجازات جزایی و ضمان مدنی در مورد والدین ظالم اجرا خواهد شد. بنابراین نمی‌توانند به استناد حق تادیب به هر شیوه‌ای برای تادیب کودک خود توسل جویند. ضمن این که، جواز تادیب کودک منوط به شرایط و محدود به حدود خاصی است.

در نتیجه اگر تنبیه بدنی خارج از حد ضرورت یا بیش از مقدار لازم باشد، تعدی بوده، موجب ضمان، دیه و مجازات تعزیری است.<sup>۷۵</sup> اما با تمام این اوصاف باید خاطر نشان کرد که فقهای شیعه دارای دیدگاه سستی به اتفاق و اجماع، اصل تنبیه بدنی کودکان را به همراه شرایط کیفی و کمی آن، در موارد مخصوص و به عنوان آخرین راه حل و روش ثانوی در اصلاح رفتار طبق نصوص روایات پذیرفته‌اند.<sup>۷۶</sup> زیرا در دیدگاه سستی برای فهم احکام الهی بیشتر به نصوص متون مقدس توجه می‌شود و تکیه اصلی آنها بر نص قرآن و روایات می‌باشد.<sup>۷۷</sup> و از آن جا که برای برداشت آیات قرآن هم گاهی از روایات استفاده می‌کنند،<sup>۷۸</sup> در واقع بیشتر بر روی روایات متمرکز می‌گردند و در عمل متن روایات را به عنوان منبع عمده پیش روی خود قرار می‌دهند. بدین علت در رابطه با تنبیه بدنی نیز علمای اسلامی سنت گرا بیشتر به بررسی روایات موجود پرداخته و طبق آنها نتیجه گیری نموده‌اند.

در زمینه تنبیه سه دسته روایت از ائمه معصومین نقل شده است:

دسته‌ی اول روایاتی است که اجازه‌ی تنبیه کودک را به حاکم شرع می‌دهد تا در برابر گناهی که کودک انجام می‌دهد مانند سرقت، زنا و لواط او را تنبیه و تعزیر کند. این دسته از روایات جنبه‌ی کیفری دارند و هنگامی نسبت

<sup>۷۳</sup> «علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب میشود، در موارد زیر قابل مجازات نیست: ... ت- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تادیب یا حفاظت آنها انجام میشود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تادیب و محافظت باشد.»

<sup>۷۴</sup> محسن، برهانی، گستره تنبیه بدنی اطفال توسط والدین از منظر قانون و فقه، مجله حقوق بشر، ج ۶، ش ۲، (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، ص ۲۹.

<sup>۷۵</sup> محمد حسین، طارمی، جرم شناسی فقهی و حقوقی کودک آزاری، مجله پگاه حوزه، ش ۲۷۹، (۱۳۸۹)، ص ۱.

<sup>۷۶</sup> جواد، حسینی، بررسی تحلیلی تنبیه از منظر روایی، فقهی و روانشناسی، مجله معرفت، ش ۳۳، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹)، ص ۵۶.

<sup>۷۷</sup> محمد، قاری سید فاطمی، ۱۳۸۴، فقه شیعه و حقوق بشر جهان شمول - ضرورت اصلاح اجتهاد: زمینه‌گرایی اخلاقی در مقابل متن‌گرایی پوزیتیویستی، مبانی نظری حقوق بشر: (مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۲)، قم، نشر مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید، چ اول، ص ۴۵۲.

<sup>۷۸</sup> محمد، محمدی گرگانی، حقوق بشر و اندیشمندان مسلمان، حقوق بشر در جهان معاصر - دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوقدانان و فقهای ایرانی، قم، انتشارات آیین احمد، چ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸.

به کودک اعمال می‌شوند که غیر بالغ‌یکی از محرمات شرعیه که در قرآن برای آن حدی مشخص گردیده مرتکب شود و این با معنای «تنبیه» اصطلاحی تفاوت دارد.<sup>۷۹</sup> لذا از بررسی این روایات که با بحث حاضر بیگانه است صرف نظر می‌گردد.

دسته دوم روایاتی‌اند که تنبیه کودک را در جهت تربیت و تادیب او برای والدین جایز می‌شمارند. دسته سوم روایاتی هستند که تنبیه کودک را برترک نماز جایز می‌شمارند. به چند نمونه از این دو دسته روایات که مبنای نظر فقها را تشکیل می‌دهند، اشاره می‌شود:

الف) حمادبن عثمان می‌گوید از امام صادق (ع) درباره‌ی ادب کودک و عبد پرسیدم امام فرمودند: «پنج تا شش ضربه و تا می‌توانی مدارا کن.»<sup>۸۰</sup>

ب) از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که «ادب کودک در سه ضربه است و افزون بر آن روز قیامت قصاص می‌شود.»<sup>۸۱</sup>

ج) حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: «نماز را در هفت سالگی به کودک یاد دهید و در ده سالگی او را بر ترک نماز تنبیه کنید.»<sup>۸۲</sup>

استناد به این روایات و صدور حکم جواز تنبیه بدنی کودک در حالی است که در آیات قرآن از ابزار محبت به «مودت» تعبیر شده است. (شوری/ ۲۳ و روم/ ۲۱) یعنی اگر چه دوست داشتن فرزند امری فطری است، اما امور فطری نیز دچار تحریف یا تعطیل می‌شوند؛ برای پرهیز از این امر، در روایات، سفارش‌های موکدی به عمل آمده است که علاوه بر توجه به ابزار محبت، روش‌های این اظهار را نیز آموزش داده‌اند.<sup>۸۳</sup> لذا در سنت ائمه معصومین، دو دسته از روایت در راستای تربیت صحیح کودک و عدم تنبیه آنها وجود دارد:

یک دسته روایاتی هستند که رحم و مدارا و شفقت به کودکان را امر می‌کند، مانند آنکه پیامبر (ص) در پاسخ به سوالی از سوی اصحابش فرمودند: «هر کس به کودکان مهربانی نکند و بزرگترها را عزیز شمارد از ما نیست.»<sup>۸۴</sup> و در جایی دیگر پیامبر (ص) کودکان را به سه دسته تقسیم می‌کردند و می‌فرمود: «با آنهایی که زیر ۷ سال هستند به عنوان کودک (با بکارگرفتن محبت و شفقت)، با آنهایی که از ۷ تا ۱۴ سال هستند به عنوان خواهر و برادر (با مراقبت و توجه) و از ۱۴ سال به بعد به عنوان دوستان نزدیک (با اعتماد و همکاری) رفتار کنید.»<sup>۸۵</sup>

این احادیث اهمیت و وسعت شعاع کاربرد عامل عاطفی در نظام بخشیدن به ساختمان اخلاقی خردسالان را به خوبی نشان می‌دهد. خود پیغمبر نیز، در طول زندگی سرشار از سرمشق و الگوی اخلاقی خود، برای تربیت فرزندان و نوه‌های خویش به هیچ عاملی جز عامل مهر و محبت نیازی پیدا نکرد و هیچ رویداد و حادثه‌ای نشان نمی‌دهد که

<sup>۷۹</sup> . جواد، حسنی، پیشین، ص ۵۲.

<sup>۸۰</sup> ۲. محمد بن حسن، حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، قم، موسسه آل البیت، ص ۵۸۱.

<sup>۸۱</sup> . عارف، عبدالغنی، ۱۴۱۴ ه.ق، نظم التعلیم عندالمسلمین، دمشق، دارالکتان، ص ۱۱۶.

<sup>۸۲</sup> . علاء الدین (متقی هندی)، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۱۶، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۵ ه.ق، ص ۴۴۰.

<sup>۸۳</sup> . مجید، وزیری، نگاهی به وظایف تربیتی پدر در برابر کودک از دیدگاه اسلام، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۶۴ (زمستان ۱۳۸۱)، ص ۵۷۱.

<sup>۸۴</sup> . محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمة الاطهار، ج ۴۳، تهران، دارالکتان الاسلامیه، ۱۳۷۴، ص ۲۸۳.

<sup>۸۵</sup> . RAPCAN, (Assessed on: ۱۵/۰۶/۲۰۱۰), Corporal and humiliating punishment of children in south Africa, it is available at: <http://www.rapcan.org.za/cp-docs/corporal-punishment-fact-sheets.pdf>, p. ۲.

پیامبر مهربان اسلام در تربیت خردسالان به تنبیه بدنی دست زده باشد. این‌ها دلالت می‌کند بر این امر که در یک خانواده‌ی خوب، تنبیه هرگز مورد پیدا نمی‌کند<sup>۸۶</sup> و دسته‌ی دیگر از روایات، روایاتی هستند که تندی و غضب به کودک را منع می‌کنند. مانند: امام کاظم (ع) به مردی که از فرزند خود شکایت می‌کرد، آشکارا فرمود: «فرزندت را مزن و برای ادب کردنش از او قهر کن ولی مواظب باش، قهر کردن طولانی نشود، بلکه هر چه زودتر آشتی کن.»<sup>۸۷</sup> بنابراین می‌توان گفت که قطع نظر از برخی روایات، تنبیه کودک جایز نیست، زیرا خدای متعال انسان را آزاد آفریده و کسی بر دیگری تسلط ندارد، مگر اینکه او اجازه دهد و تنبیه و زدن دیگری اذیت و ظلم به اوست و این کار در شرع دیده نمی‌شود، چنانکه حتی برخی روایات آن را حرب با خدا و کیفر می‌دانند و به راستی می‌توان گفت دین اسلام حتی مخالف تنبیه بدنی کودک جهت آموزش فرایض دینی است، چرا که خشونت‌های بی‌جا و تحمیل‌های سنگین در آموزش امور دینی و به ویژه نماز را تنها موجد سطحی شدن و بی‌علاقگی فرزندان می‌داند.<sup>۸۸</sup>

پس تنبیه بدنی اگر آهنگ اجبار داشته، چه بر نماز و چه بر هر چیز دیگر، نمی‌تواند با روح تعالیم اسلام سازگار باشد<sup>۸۹</sup> و اگر برخی احکام فقهی بیانگر امکان تنبیه بدنی کودکان باشد، باید در پرتو تفسیر مجدد منابع اصلی، اصلاح شود. درحقیقت این کاریعنی بازسازی زمینه‌های تاریخی متون به منظور استنباط روح نهفته در پیام آن، وظیفه اجتهاد می‌باشد.<sup>۹۰</sup> در نتیجه فقه اسلامی خشونت علیه کودکان را مذموم دانسته و آن را مضر در تربیت و هدایت فرزند و ناقض حیثیت و کرامت ذاتی انسانی داند و والدین را به مهر و محبت به کودک تشویق و ترغیب می‌نماید.

## ۲-۵ خشونت روانی

خشونت روانی که از عوامل مخرب کرامت انسانی کودک می‌باشد و زمانی اتفاق می‌افتد که فردی با گفتاریا اعمال خود، القای احساس بی‌ارزش بودن و یا کند ذهن بودن در کودک نماید.<sup>۹۱</sup> عدم حمایت از کودک در مقابل خشونت خانگی، شیوه خطاب کردن کودک، عیب جویی و انتقاد همیشگی، تبعیض، مقصر دانستن کودک در برابر تمامی مشکلات خانواده، تحقیر کودک در مقابل دیگران، تخریب وسایل کودک، تهدید و ایجاد وحشت در کودک و تهدید ارتکاب خود کشی از موارد خشونت‌های روانی نسبت به کودک است که در محیط خانه و خانواده ممکن است ارتکاب یابد.

۱-۲-۵ از موارد خشونت روانی که در محیط خانواده ممکن است روی دهد و ارتباط مستقیمی با نقض کرامت انسانی کودک دارد «تبعیض» است. تبعیض عبارت است از هر فعل یا ترک فعل، که به طور مستقیم یا با واسطه به کرامت انسانی کودک آسیب می‌زند و تامین نهایت حد ممکن رشد شخصیت، استعدادها و توانایی‌های جسمی و

<sup>۸۶</sup>. محمد باقر، حجتی، شرایط و کارایی تنبیه در تربیت کودک و نوجوان، مجله حوزه و دانشگاه، ش ۴۰، (پاییز ۱۳۸۳)، ص ۳۶.

<sup>۸۷</sup>. محمدباقر، مجلسی، پیشین، ج ۱۰۴، ص ۹۹.

<sup>۸۸</sup>. مجید، وزیری، پیشین، ص ۵۸۰.

<sup>۸۹</sup>. محمد، حسینی بهشتی، نقش آزادی در تربیت کودکان، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه های آیت الله شهید دکتر بهشتی، چ ۲، ۱۳۸۱، ص ۲۸.

<sup>۹۰</sup>. محمد، قاری سید فاطمی، فقه شیعه و حقوق بشر جهان شمول - ضرورت اصلاح اجتهاد: زمینه گرای اخلاقی در مقابل متن گرای پوزیتیویستی، پیشین، ص ۴۵۶.

<sup>۹۱</sup>. Violence prevention initiative, op.cit, p. ۲.

ذهنی کودک را نفی کند یا به مخاطره اندازد.<sup>۹۲</sup>

بنابراین تبعیض به کرامت انسانی افراد از جمله کودکان صدمه می‌زند، رشد و بالندگی آنان را نفی می‌کند و شکوفایی توانایی‌های ایشان را مخدوش می‌سازد. به بیان دیگر علت غایی نفی تبعیض، فراهم آمدن زمینه رشد شخصیت، استعداد و توانایی‌های جسمی و ذهنی افراد است. تبعیض و فرق گذاشتنی که از طرف پدر و مادر نسبت به فرزند اعمال می‌شود اثر منفی آن به کرامت انسانی کودک به مراتب بیشتر از رفتار تبعیض‌آمیز سایرین است. این نکته‌ای است که از تامل در منابع حقوق بشر اسلامی دریافت می‌شود. همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بین فرزندان خود به عدالت رفتار نمائید همانطور که مایلید فرزندان شما و مردم، بین شما به عدل رفتار کنند»<sup>۹۳</sup>. و بدتر از آن تبعیضی است که انسان بین فرزندان به خاطر جنسیت (پسر و دختر) آنها قایل شود. چرا که می‌بینیم براساس یک سنت جاهلی که از پیش از اسلام در میان مردم جاهل و بی‌فرهنگ جاهلی رایج بود، و فرزند دختر را برای خود ننگ و عار و مایه سرشکستگی به شمار آورده و زنده به گور می‌کرد، هم چنان این سنت و عادت زشت و ناپسند گرچه از شدت آن کاسته شده و دیگر هیچ دختری مستقیماً زنده بگور نمی‌شود، ولی هنوز در بسیاری از خانواده‌ها حتی جامعه‌های متمدن و به خیال خود پیشرفته و فمینیست‌های امروزی که خود را به وجود آورنده قانون برابری و مساوات دختر و پسر میدانند، این سنت ناپسند با شکل‌های متفاوت و به ظاهر متمدنانه وجود دارد و با تولد فرزند پسر بیشتر خوشحال می‌شوند تا تولد یک دختر! چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود، و به شدت خشمگین می‌گردد»<sup>۹۴</sup>.

اسلام با این روش سرسختانه مبارزه کرده و به مساوی بودن حقوق انسانی دختر و پسر دعوت کرده و این رفتار غیرانسانی را محکوم کرده و در آیه ۵۹ سوره نحل می‌فرماید: «به خاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد، (او نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم می‌کنند»<sup>۹۵</sup>. رفتارهای تبعیض‌آمیز ممکن است در قالب فعل‌ایجابی انجام شود، مانند آن که خانواده‌ای برای پسران خود امکانات آموزشی بهتری در سنجش با دختران خود فراهم آورد. از سوی دیگر رفتارهای سلبی و ترک فعل نیز ممکن است موجد شرایط و وضعیت‌های تبعیض‌آمیز باشد. مانند عدم ثبت ولادت کودک. ترک فعل وضعیت غفلت از کودکان را نیز در بر می‌گیرد. این اصطلاح مفهومی گسترده داشته، شامل بر آورده نساختن نیازهای مادی و عاطفی کودکان و فقدان مراقبت از جسم و روان آنان و عدم محافظت و هدایت شایسته‌ایشان می‌شود.<sup>۹۶</sup> بنابراین والدین باید بدانند که ممکن است بسیاری از رفتارها و برخوردهایشان با کودک شکل تبعیض به خود می‌گیرد و به طور مستقیم و غیرمستقیم حیثیت و کرامت کودک خدشه وارد می‌نماید. لذا مکلفند دقت کافی را مبذول داشته و با توجه به روش‌های تربیتی موجود در دین اسلام در جهت تکریم کودک گام بردارند.

<sup>۹۲</sup> مسعود، نوری، تبعیض علیه کودکان، تاملی در مفهوم، تلاش برای تعریف از رهگذر تطبیقی اسناد حقوق بشر، مجله نامه مفید، سال هفدهم، ش ۸۵، (تابستان ۱۳۹۰)، ص ۱۳۴.

<sup>۹۳</sup> «اعدلوا بین اولادکم کما تحبون ان یدلوا بینکم».

<sup>۹۴</sup> حسن بن فضل، طبرسی، ترجمه فارسی مکارم‌الاخلاق، مترجم: عقیقی‌بخشایشی، عبدالرحیم، قم، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰.

<sup>۹۵</sup> «و إذا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ». (نحل / ۵۸)

<sup>۹۶</sup> «بِتَوَارِي مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرُ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ».

<sup>۹۷</sup> مسعود، نوری، پیشین، ص ۱۳۴.

۲-۲-۵- یکی دیگر از انواع خشونت روانی که در خانواده ممکن است علیه کودکان صورت گیرد و به ظاهر شاید از انواع خشونت در اصطلاح عامش نباشد اما تاثیر مخرب بر کرامت انسانی کودک دارد، «عیب جویی و انتقاد همیشگی از کودکان» است. عیب در لغت به معنی کمبود در ذات چیزی یا صفتش می‌باشد و در مقابل آن صحت و سلامتی است.<sup>۹۸</sup> عیب جویی یکی از رذایل اخلاقی است که قرآن با تعبیرهای مختلف از آن نهی کرده و عیب جو را مورد نکوهش قرار داده است.<sup>۹۹</sup> این رفتار غیر انسانی گاهی تبدیل به عادت می‌شود و به شخصیت و کرامت کودک خدشه وارد می‌کند. این اصطلاح در قرآن به کار نرفته است اما با تعبیری همسان در برخی از آیات تجسس و عیب جویی مورد نکوهش واقع شده است:

«وای بر هر عیب جوی مسخره کننده‌ای. همان کسی که مال فراوانی جمع آوری و شماره کرده»<sup>۱۰۰</sup>

هُمَزَه از ماده «هُمَز» در اصل به معنی شکستن است و از آن جایکه افراد عیب جو و غیبت کنند، شخصیت دیگران را در هم می‌شکنند به آنها هُمَزَه‌هاطلاق شده است. «لُمَزَه» نیز به معنی غیبت کردن و عیب جویی نمودن است برخی این دو کلمه را به یک معنی گرفته‌اند و معتقدند ذکر این دو با هم برای تأکید بیشتر می‌باشد.<sup>۱۰۱</sup>

در روایات نیز عیب جویی از کودکان نهی شده است. از جمله این که هشام بن عروه از پدر خود نقل می‌کند: روزی مردی در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر عملی که فرزندش انجام داده بود از او عیب جویی کرد. پیامبر به وی فرمود: «فرزندت تیری از تیرهای تیردان توست».<sup>۱۰۲</sup> (یعنی فرزندت پاره تن تو و ذخیره‌ی آینده‌ی توست). روح ظریف و حساس کودک، با کوچک‌ترین حرکت نادرست، ناراحت و پژمرده می‌شود. پس باید از هرگونه تحقیر و تمسخر کودک و به زبان آوردن عیب‌ها و خطاهای او به ویژه در مهمانی‌ها و دیدارهای خانوادگی پرهیز کرد و با شیوه‌ای خردمندانه به تأیید ویژگی‌های مثبت وی و تشویق او پرداخت.

۳-۲-۵- یکی دیگر از عواملی که بر کرامت ذاتی کودک می‌تواند تاثیر منفی داشته باشد و بی شک از موارد خشونت روانی علیه کودکان می‌باشد، «بد صدا کردن و بد خطاب قرار دادن کودک» است.

از موارد احترام به کودکان، آن است که در دوران کودکی، آنان را با اسم‌ها و لقب‌های نیکو و شایسته صدا بزنند. اسم‌ها و لقب‌هایی نیکوست که نشان دهنده مهر و محبت و یادآور خیر و فضیلت باشد. صداکردن کودک باین گونه اسم‌ها و لقب‌ها، افزون بر اینکه سبب افزایش روابط مهرآمیز می‌شود، کودکان را به سوی خوبی‌ها و رشد و کمال سوق می‌دهد و به آنها بزرگی روح و عزت نفس می‌بخشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پیش از آن که لقب‌های زشت بر فرزندانان غلبه پیدا کند، کنیه‌های خوب بر آنان بگذارید».<sup>۱۰۳</sup> «در نتیجه صداکردن کودکان با نام‌های زیبا به آنها عزت نفس و اعتماد به نفس می‌دهد و آنها را سربلند کرده، باعث احساس غرور در آنها و حفظ کرامت انسانی آنان می‌شود.

آن چه از این مباحث برداشت می‌شود این است که کرامت انسانی کودک به مراتب آسیب پذیرتر است، بنابراین

<sup>۹۸</sup> حسن، مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۸، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول، ۱۳۶۸، ص ۲۷۰.

<sup>۹۹</sup> بهاء الدین، خرمشاهی، دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، تهران، انتشارات دوستان و ناهید، چ اول، ۱۳۷۷ ص ۱۵۰۱.

<sup>۱۰۰</sup> «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ \* الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ». (همزه / ۱-۲)

<sup>۱۰۱</sup> ناصر و همکاران، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ دهم، ۱۳۷۱ صص ۳۱۱-۳۰۹.

<sup>۱۰۲</sup> «إِنَّمَا ابْنُكَ سَهْمٌ مِّنْ كُنَّا نَبُكُ».

<sup>۱۰۳</sup> «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْكُنَى قَبْلَ أَنْ تَغْلِبَ عَلَيْهِمُ الْأَلْقَابُ».

<sup>۱۰۴</sup> علاء الدین، پیشین، ص ۵۸۴.

در برخورد با کودک باید حساسیت بیشتری به خرج داد. خشونت روانی به خصوص در خانواده- که باید بهترین جایگاه برای رشد، کمال و حمایت کودک باشد- بی شک یکی از موارد نقض کرامت انسانی کودک است که تاثیر منفی بر شخصیت آینده و توانایی های بالقوه او می گذارد.

در تعالیم اسلام رعایت سلامتی و بهداشت روحی و جسمی فرزند و نیز حفظ شخصیت و کرامت وی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.<sup>۱۰۵</sup> این نکته را می توان از راهکارهای عملی متعددی که در مراحل گوناگون زندگی ارائه داده است دریافت. از جمله توجه شایسته به امر حضانت و نگهداری کودک و بیان اوصاف فردی که این مسئولیت را به عهده می گیرد اعم از والدین و غیر از آنان.<sup>۱۰۶</sup>

## نتیجه گیری

دین مبین اسلام برای کودک به مثابه یک انسان در ابعاد کوچک و به عنوان آفریده خدا قایل به کرامت ذاتی می باشد. چراکه کرامت به عنوان یک ارزش ذاتی و تجلی اراده حق تعالی با سرشت انسان عجین شده است. بدیهی است که این کرامت نمی تواند بدون حقوق ذاتی برای کودک متصور شود. اسلام برای کودکان حقوق پر دامنه و بسیار غنی قایل شده که از اهم این حقوق، حقوق کودک بر والدین می باشد. پدر و مادر موظفند که این امانت های پروردگار را مورد احترام و تکریم قرار دهند و کودک را با کردار ناپسند عادت نداده و در پرورش جسمی، اخلاقی، روحی و معنوی او تلاش جدی داشته باشند. اما در طی فرایند رشد و تربیت کودک در مواردی از این تکلیف خویش غافل شده، با اعمال خشونت علیه کودک به حریم خصوصی و تمامیت جسمانی و روانی کودک تعرض کرده و حیثیت و کرامت ذاتی او را نقض می نمایند. این در حالی است که نظام حقوقی اسلام از باب محترم بودن انسان هر گونه تعدی و توهین انسانها به یکدیگر به ویژه نسبت به کودکان را تحریم نموده و خداوند انسان را برای برقراری امور زمین و اقامه عدل، رواج رحمت و انتشار محبت و مهربانی جانشین خود در زمین قرار داده است. بنابراین بر والدین است که کودک را در مرحله اول به عنوان انسان بپذیرند و شرایط او را مبنای رفتار خویش قرار دهند. هرگونه رفتار و برخورد با کودک را بر اساس اصول بنیادین کرامت و مصلحت و برپایه مهرورزی و آسانگیری تنظیم نموده و کوچکترین بی حرمتی و بی اعتنائی بر حیثیت و شرافت انسانی او وارد ننمایند.

از سوی دیگر به دلیل آن که بسیاری از موارد نقض حقوق کودک در خانواده از جمله خشونت های جسمی و روانی نسبت به کودک ریشه در جهل و نادانی خانواده دارد، بر روحانیون، علما و محققان مذهبی است که در افزایش آگاهی مردم در زمینه حقوق کودک و تحریم خشونت علیه آنها در نظام حقوقی اسلام گامهای موثری بردارند و در راستای رسالت عظیمشان موجبات تحقق آرمانهای انسانی مبتنی بر کرامت ذاتی را فراهم نمایند.

مضافا باید بدین مساله توجه نمود که از آن جا که کودکان ساعت های زیادی از روز خود را در مدرسه هستند می توان از سیستم آموزشی جهت مقابله با خشونت خانگی علیه آنها بهره جست. بسیاری از آموزه های دینی در طی دوران تحصیلی به کودکان آموزش داده می شود اما اکثر این آموزش ها در جهت یادآوری تکالیف گوناگون کودکان در قبال والدین و دیگر افراد است، در حالی که حقوق اسلامی مجموعه ایی از حقوق و تکالیف است. لذا شایسته است

<sup>۱۰۵</sup>. یونیسف، تربیت بدون خشونت (کودک آزاری از نظر فقه شیعه)، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، چ اول، ۱۳۸۶ص ۱۴.

<sup>۱۰۶</sup>. محمدبن حسن، حرعاملی، پیشین، باب ۳۵ تا ۶۱، صص ۴۴۵-۴۴۶.



که کودک همزمان با حقوق خود با جنبه‌های خشونت زدایی دین مبین اسلام نیز آشنا گردد. این شناخت خود می‌تواند تا حدودی در جهت مقابله با خشونت علیه کودکان موثر باشد. هم چنین مشاوران و معلمان پرورشی و تربیتی در مدارس والدین را نسبت به وظایف خود در قبال مراقبت از روح و روان و کرامت کودکانشان آشنا سازند.

جلوگیری از خشونت خانگی علیه کودکان از طریق فرهنگ سازی را می‌توان یکی از موثرترین راه‌های حمایت از قربانیان این نوع خشونت دانست. این فرهنگ سازی را تا حدود زیادی می‌توان از طریق وسایل ارتباط جمعی صورت داد. به علاوه به موجب عمل پسندیده امر به معروف و نهی از منکر بر هر مسلمان واجب است که در صورت مشاهده خشونت علیه کودکان از طریق تذکر سعی در آگاه کردن والدین نماید و در صورت ادامه آن از طریق قانونی برای ممانعت از آن اقدام نماید.

با توجه به این که خشونت خانگی علیه کودکان آثار مخرب بلند مدتی بر کودک دارد، هم چنین با تاکید بر این که کودک به دلیل آسیب پذیری شدید نیازمند حامی مقتدری می‌باشد و در خشونت‌های خانگی او اولین حامیان خود را از دست می‌دهد، لذا آنها قانون است که می‌تواند با اقتدار خود از بروز این گونه خشونت‌ها جلوگیری و یا مانع از ادامه‌ی آنها باشد. اما متأسفانه در قوانین کشور ما مشخصاً نفی خشونت خانگی به چشم نمی‌خورد. و قطعاً ورود قانون به حوزه خشونت خانگی می‌تواند وسیله‌ای حمایتی برای کودک باشد.

## منابع

### قران مجید

### الف) منابع فارسی

۱. اسحاقی، حسین، سلوک علوی (راهبردهای امام علی در تربیت فرزندان)، چ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۸۱
۲. آشوری، محمد و دیگران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، چ اول، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ۱۳۸۸
۳. آیازی، محمدعلی، «مبانی حقوق بشر اسلامی»، حقوق بشر در جهان امروز (مجموعه مقالات کنگره بررسی مسایل اساسی حقوق بشر در جهان امروز)، چ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار. ۱۳۸۸
۴. بسته نگار، محمد، «حقوق بشر از دیدگاه‌ایت الله طالقانی»، حقوق بشر در جهان امروز (مجموعه مقالات

- کنگره بررسی مسائل اساسی حقوق بشر در جهان امروز)، چ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار. ۱۳۸۸
۵. برهانی، محسن، «گستره تنبیه بدنی اطفال توسط والدین از منظر قانون و فقه»، مجله حقوق بشر، ج ۶، ش ۲، (پاییز و زمستان ۱۳۹۰).
۶. پورقهرمانی، بابک، «نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن»، مجله رواق اندیشه، ش ۲۸، (فروردین ۱۳۸۳)
۷. پیوندی، غلامرضا، حقوق کودک، چ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۹۰
۸. جاودان، محمد، ۱۳۸۴، «نواندیشی دینی در اسلام و تاملاتی در کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر»، مبانی نظری حقوق بشر (مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر؛ ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۲)، چ اول، قم، نشر مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید.
۹. حجتی، محمد باقر، «شرایط و کارآیی تنبیه در تربیت کودک و نوجوان»، مجله حوزه و دانشگاه، سال دهم، ش ۴۰، (پاییز ۱۳۸۳)
۱۰. حسنی، جواد، «بررسی تحلیلی تنبیه از منظر روایی، فقهی و روانشناسی»، مجله معرفت، ش ۳۳، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹).
۱۱. حسینی بهشتی، محمد، نقش آزادی در تربیت کودکان، چ دوم، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌ی آیت الله شهید دکتر بهشتی. ۱۳۸۱
۱۲. خرمشاهی، بهاء الدین، دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، چ اول، تهران، انتشارات دوستان و ناهید. ۱۳۷۷
۱۳. داوودی، محمد، ۱۳۸۸، گفتار فلسفی - کودک از نظر وراثت و تربیت، چ هفتم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۸۸
۱۴. راسخ، محمد، ۱۳۸۸، «نظریه حق»، حقوق بشر در جهان معاصر - دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق دانان و فقهای ایرانی، چ اول، قم، انتشارات آیین احمد. ۱۳۸۸
۱۵. رحمانی، محترم، «حقوق بشر در اندیشه طالقانی»، حقوق بشر در جهان امروز، (مجموعه مقالات کنگره بررسی مسائل اساسی حقوق بشر در جهان امروز)، چ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار. ۱۳۸۸
۱۶. رحیمی نژاد، اسماعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، چ اول، تهران، نشر میزان. ۱۳۸۷
۱۷. رستم زاده، مرجان، گفتارهایی پیرامون حقوق تطبیقی کودک، چ اول، کرمان، انتشارات خدمات فرهنگی کرمان. ۱۳۸۸
۱۸. صانعی، یوسف، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پرسش ۲۶.
۱۹. طارمی، محمد حسین، «جرم شناسی فقهی و حقوقی کودک آزاری»، مجله پگاه حوزه، ش ۲۷۹، (۱۳۸۹).
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، ترجمه فارسی مکارم الاخلاق، مترجم: عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، قم، انتشارات نوید اسلام. ۱۳۸۵
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی، «ابعاد کرامت انسان از منظر اسلام»، مجموعه مقالات به مناسبت روز حقوق بشر اسلامی، چ اول، تهران، انتشارات گرایش. ۱۳۸۹
۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۸، مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر، چ اول، تهران، انتشارات مجد. ۱۳۸۸

۲۳. فقیهی، علی نقی، «هدفهای تربیتی در ارتباط با والدین و فرزندان»، مجله پیوند، ش ۲۰۷، (دی ۱۳۷۵).
۲۴. فیروزی، گلناز، «خسونت خانوادگی و رفتارهای خسونت آمیز علیه کودکان/خسونت خانگی»، مجله پگاه حوزه، ش ۲۶۶، (آبان ۱۳۸۸)، ۳۱-۳۳.
۲۵. قاری سید فاطمی، محمد، ۱۳۸۴، «فقه شیعه و حقوق بشر جهان شمول - ضرورت اصلاح اجتهاد: زمینه گرای اخلاقی در مقابل متن گرای پوزیتویستی»، مبانی نظری حقوق بشر: (مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۲)، چ اول، قم، نشر مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید.
۲۶. کیان، فروزش، نخستین کتاب حقوق من-پیمان بین المللی حقوق کودک، چ اول، تهران، نشر ایران بان. ۱۳۸۴
۲۷. مرعشی شوشتری، محمدحسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ج ۱، چ اول، تهران، نشر میزان. ۱۳۷۳
۲۸. مرعشی شوشتری، محمدحسن، «تحقیقی درباره سن بلوغ»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۴، (تابستان/۷۱).
۲۹. محمدی گرگانی، محمد، «حقوق بشر و اندیشمندان مسلمان»، حقوق بشر در جهان معاصر - دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق دانان و فقهای ایرانی، چ اول، قم، انتشارات آیین احمد. ۱۳۸۸
۳۰. ملکی (قاسم)، حسن، آشنایی با حقوق کودکان، چ اول، تهران، انتشارات آیش. ۱۳۸۸
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۷، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۷۱
۳۲. منتظری، حسینعلی، پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون مجازات اسلامی و حقوق بشر، چ اول، قم، انتشارات ارغوان دانش. ۱۳۸۷
۳۳. منتظری، حسینعلی، رساله حقوق، چ دوم، تهران، انتشارات سرایی. ۱۳۸۳
۳۴. موسوی بجنوردی، محمد، «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌مندی از حقوق مربوطه»، پژوهشنامه متین، ش ۲۱، (زمستان ۱۳۸۲).
۳۵. نراقی، آرش، اخلاق حقوق بشر، چ اول، تهران، نشر نگاه معاصر. ۱۳۸۸
۳۶. نصر اصفهانی، محمد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اندیشه علوی، چ اول، اصفهان، انتشارات فرهنگ و مردم: کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی. ۱۳۸۲
۳۷. نوبهار، رحیم، ۱۳۸۴، «دین و کرامت انسانی»، مبانی نظری حقوق بشر: (مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۲)، چ اول، قم، نشر مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید.
۳۸. نوری، مسعود، «تبعیض علیه کودکان، تاملی در مفهوم، تلاش برای تعریف از رهگذر تطبیقی اسناد حقوق بشر»، مجله نامه مفید، سال هفدهم، ش ۸۵، (تابستان ۱۳۹۰)
۳۹. وزیری، مجید، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، چ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۴
۴۰. وزیری، مجید، «نگاهی به وظایف تربیتی پدر در برابر کودک از دیدگاه اسلام»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۶۴، (زمستان ۱۳۸۱)،
۴۱. هاشم زاده هریسی، هاشم، «اعلامیه جهانی حقوق بشر از منظر اسلام»، حقوق بشر در جهان معاصر، دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق دانان و فقهای ایرانی، چ اول، قم، انتشارات آیین احمد. ۱۳۸۸
۴۲. هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج اول، چ ششم، تهران، نشر میزان.

۴۳. هاشمی، محمد، «حقوق اقتصادی و اجتماعی بشر از تئوری تا عمل»، حقوق بشر در جهان معاصر، دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق دانان و فقهای ایرانی، چ اول، قم، انتشارات ایین احمد. ۱۳۸۸

۴۴. یونسف، تربیت بدون خشونت (کودک آزاری از نظر فقه شیعه)، چ اول، یونسف. ۱۳۸۶

### ب) منابع عربی

۱. ابوخواص، ماهر جمیل، ۲۰۰۵ م، الحماية الدولية لحقوق الطفل، الطبعة الاولى، القاهرة، دار النهضة العربية.
۲. احمد، هلالی عبدالله و القاضي، خالد محمد، ۲۰۰۶ م، حقوق الاطفال في الشريعة الاسلامية و المواثيق الدولية و التشريعات الوطنية، الطبعة الاولى، القاهرة، دار الطلائع.
۳. الزحيلي، محمد، ۲۰۰۳ م، حقوق الانسان في الاسلام - دراسة مقارنة مع الاعلان العالمي و الاعلان الاسلامي لحقوق الانسان، الطبعة الثالثة، دمشق - بيروت، داركلم الطيب.
۴. الغامدي، عبداللطيف بن سعيد، ۲۰۰۰ م، حقوق الانسان في الاسلام، الطبعة الاولى، الرياض، أكاديمية نايف العربية للعلوم الانسية.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ه.ق، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، قم، موسسه آل البيت.
۶. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰، مکارم الاخلاق، چ چهارم، قم، انتشارات شریف رضی.
۷. عبدالغنی، عارف، ۱۴۱۴ ه.ق، نظم التعليم عند المسلمين، دمشق، دارالکنعان.
۸. علاء الدین (متقی هندی)، ۱۴۰۵ ه.ق، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۶، بیروت، موسسه الوفاء.
۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمة الاطهار، ج ۴۳، تهران، دارالکتاب الاسلاميه. ۱۳۷۴
۱۰. محمد (محي الدين ابن عربي)، بی تا، فصوص الحکم، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۱. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القران، ج ۸، چ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۶۸

### ج) منابع انگلیسی

۱. Bitensky, Susan H., ۲۰۰۶, Corporal punishment of children: A human rights violation, first ed, United States of America, Transnational publishers.
۲. RAPCAN, (Assessed on: ۱۵/۰۶/۲۰۱۰), Corporal and humiliating punishment of children in south Africa, it is available at: [http:// www. rapcan. Org . za/cp -docs /corporal- punishment fact –sheets . pdf](http://www.rapcan.Org.za/cp-docs/corporal-punishment-fact-sheets.pdf).
۳. Meyersfeld, Bonita, ۲۰۱۰, Domestic violence and international law, Oxford, Hart Publishing.
۴. Violence prevention initiative, ۲۰۰۹, Violence Against Children fact sheet, Newfoundland and Labrador, Prepared by the violence Prevention Initiative